

ضرب گیر، لودهنده، بیگناهان

محمد قاند

editor@lawhmag.com

با عمل خطا باید قاطعانه برخورد کرد؛ برخی ترکیب دو یا چند جنبه است. یکی دو تن نظر می‌دهند در سکوت یا افشا باید سود و زیان را از نظر انسجام جمع سنجید؛ از یک نفر می‌شویم که جواب مشخص مشکل است. در اظهارنظر دیگران کلمات مقاومت، کار گروهی، سیستم، خبرچینی، محیط مقصر، از جمع بریده، خیانت، وفاداری، کله‌شقی و مفتشی به گوش می‌رسد. یک نفر حتی تجویز می‌کند رواست بچه‌ها سر لودهنده منزوی بزنند و او را بزنند.

آنچه در کلام بیشتر مصاحبه‌شوندگان می‌توان دید حال و هوای آن روزگار است: همبستگی برای ایستادگی در برابر آمرانگی. معلم کلاس نماینده آمرانگی است و هر نوع مقاومت جمع در برابر او مثبت تلقی می‌شود. یکی از نظردهندگان که شاید مشهورترین حاکم شرع در تاریخ اسلام باشد تفتیش عقاید و شهادت علیه دیگران را نکوهش می‌کند و حرف از مخالفت با انگیزسیون می‌زند - گرچه فیلم بحث عقیده مطرح نمی‌کند و به واکنش و کردار فرد در موقعیتی دشوار می‌پردازد. دو سال بعد وقتی مقرر شد ضرورت تجسس بالاتر از تمام اصول، و عقیده وقتی بتواند منجر به عمل خطا شود مقدمه جرم است، او حرفی علنی خلاف این نظر نزد.

می‌توان پنداشت در همه جای جهان نظر افراد پیرامون تحمل تنبیه ناحق، یا دفاع فرد از خویش به قیمت احتمال طردشدن به‌عنوان خبرچین از سوی همگنان، حول نظرهایی باشد که در این فیلم می‌شویم. اینکه در چنان موقعیتی هرکس چه خواهد کرد بحثی است بی‌انتهای و با صد فیلم هم نمی‌توان به اتفاق نظری جامع و واحد رسید. اما درست به همین دلیل باید اجازه در گرفتن چنین بحثی در جامعه داد. به طور خاص، همین فیلم که در مؤسسه‌ای عمومی تهیه شده دهه‌هاست خاک می‌خورد، در همان حال که وانمود می‌شود تمام اختلافها بر سر رابطه قانون، مقررات، عادت و اخلاق تاکنون با بخشنامه حل شده یا حل‌شدنی است.

یکی از دفاعهای قاطع از حق دانش‌آموز بی‌تقصیر به معرفی فرد خاطی را رئیس رادیو تلویزیون مطرح می‌کند. صراحت و ایستادن در برابر آمرانگی در آن روزها بدیهی تلقی می‌شد، حتی از سوی رئیس تلویزیون و در فیلم روشنفکرانه. اما عجیب است او که قدرت پخش فیلم را از تلویزیونش داشت ظاهراً از این کار تن زد، شاید با این حساب که موضوع وقتی زیادی باز شود، به اصطلاح این روزها، قابل جمع کردن نیست. شاید هم فقط خیال می‌کرد قدرت چنان کاری دارد.

در مقابل، وزیر آموزش و پرورش تقصیر را جدا از لودادن می‌داند و طرفدار ایستادگی در برابر اقتدار معلم است. در شکل دوم داستان، یعنی مقاومت گروه، فیلم با صدای ضرب گرفتن دسته‌جمعی شاگردان روی میز - لایب به علامت پیروزی - پایان می‌یابد.

در فیلمی کوتاه که درست سی سال پیش در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان ساخته شد دبیر در کلاس درس هنگام رسم بخشهای داخلی گوش روی تخته‌سیاه، صدای زدن زیر میز می‌شود. پس از تکرار توتوق، به شاگردان دو ردیف آخر امر می‌کند یا ضرب‌گیر را معرفی کنند با تا آخر هفته از حضور در کلاس محروم خواهند شد. متهمان سکوت می‌کنند و از کلاس اخراج می‌شوند.

در شکل اول ماجرا، پس از یکی دو روز ایستادن در راهرو، سرانجام یکی از اخراج‌شدگان به حرف می‌آید و مقصر را معرفی می‌کند. در شکل دوم، همه تا پایان مدت تنبیه مقرر ساکت می‌مانند و بعد به اتفاق کلاس بر می‌گردند.

سازنده فیلم قضیه شکل اول شکل دوم، عباس کیارستمی، صحنه‌های گرفته‌شده را به چندین نفر (ظاهراً تک‌تک) نشان می‌دهد و از آنها نظر می‌خواهد. اظهارنظرکننده‌ها از رده‌های مختلفی‌اند: کارگر کارخانه، اسر نیروی دریایی، کارمند جزء، روحانی (مسلمان، ارضی و کلیسی)، مقام اداری، حقوقدان، شاعر، نویسنده، رهبر حزب سیاسی. چند تن از اینها پدران محصلهایی‌اند که از کلاس اخراج شده‌اند. دو زن در مشاغل مربوط به کودکان و نوجوانان، و رئیس سازمان پرورش فکری، سرپرست رادیو تلویزیون و وزیر خارجه و آموزش و پرورش هم نظر می‌دهند. خطوط نظرها را می‌توان حدس زد: روش جایرانه دبیر صحیح نیست؛ دانش‌آموز را نباید برای اندکی بیقراری و بی‌انضباطی به مجازاتهای شدید محکوم کرد؛ علت شیطنت باید بررسی می‌شد و معلم فوراً حکم صادر نمی‌کرد؛ تنبیه دسته‌جمعی خطاست و اگر احتمال مجازات فرد بیگناه در میان باشد، پس بهتر است عمل خطاکار بی‌مجازات بماند.

از سوی دیگر: بیگناه حق دارد مقصر را معرفی کند زیرا حق اوست از خود در برابر تنبیه ناحق دفاع کند؛ بیگناه حق ندارد مقصر را معرفی کند زیرا این کار در حکم لودادن و پشت‌کردن به جمع است؛ بچه‌ها باید بین خودشان به شور می‌پرداختند و مقصر را تشویق می‌کردند داوطلبانه اعتراف کند؛ لودهنده از جمع همسالان طرد می‌شود و پاداشی گذرا در حد برگشتن سر کلاس پرچسبی چنان سنگین و شاید همیشگی را جبران نمی‌کند؛ لودهنده در واقع به اصلی والاتر از مجبوییت شخصی یعنی کلاس درس و حقوق سایرین، چه حق کلاس به آرامش و چه حق بیگناهان به مصونیت از مجازات، احترام گذاشته است؛ عمل او خطاست و همبستگی مهمتر از همه چیز است؛ همبستگی در عمل خطا خطاست و همدلی با مجرم در حکم همدستی با اوست؛ حکومتها کوشیده‌اند افراد را به لودادن همدیگر تشویق کنند و هر نوع لودادنی همراهی با قدرت است.

اظهارنظرهایی فقط یک استدلال را دنبال می‌کنند بر این پایه که